

## تغییرات اجتماعی خانوار و نقش معنی در تطبیق محیط مسکونی مورد پژوهی: اثرگذاری معانی بر تغییرات مسکن عشایری\*

محسن افشاری

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

E-mail: m.afshary@au.ac.ir

### چکیده

محیط‌های مسکونی ایده‌آل باید با روش زندگی انسان سازگار و همچنین با تغییرات زندگی انسان هماهنگ باشند. مطالعه تغییرات کالبدی چندساله مسکن ایل قشقایی حاکی از این بود که همزمان یا بعد از تغییرات اجتماعی مشخص، خصوصیات محیط مسکن با تغییرات اجتماعی خانوار تطبیق داده شده است. بنابراین، مطالعه نظام‌مندی برای فهم چرایی و چگونگی این موضوع صورت پذیرفت که نشان می‌داد معانی نقش مهمی در هدایت تغییرات کالبدی مسکن برای هماهنگی با تغییرات اجتماعی دارند. با توجه به ماهیت مسئله پژوهش از «روش تحقیق کیفی» با «نمونه‌گیری نظری هدفمند» و «مدل ابزار-غایت» و «نظریه زمینه‌ای» استفاده شد و تغییرات کالبدی محیط مسکن از طریق عکس‌برداری، ترسیم نقشه‌های معماری و دیاگرام انتظام قرارگاه‌های رفتاری و انجام مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مستند گردید. یافته‌های اصلی برآیند سلسله پیامد-معنی تغییرات انتظام فضایی در یوردهای ایل قشقایی نشان می‌دهد عامل معنایی «جایگاه اجتماعی» منشأ مهم تغییراتی است که برای «نمایش سلسله مراتب جدید جایگاه اجتماعی خانوار» یا «ایجاد جایگاه اجتماعی جدید» یا «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» صورت می‌گیرد و باعث رعایت الگوهای فرهنگی می‌گردد. نتایج پژوهش بیان می‌نماید که خصوصیات محیط مسکن به‌طور پیوسته برای پاسخگویی معانی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و مطابق با تغییرات اجتماعی خانوار تغییر می‌یابند.

کلیدواژه‌ها: مسکن، تغییرات اجتماعی، تطبیق محیط مسکن، معنی

## مقدمه

موضوع اصلی این پژوهش توجه به تغییرات کالبدی و انتظام فضایی محیط مسکونی است که پژوهش ردپای آن را در رعایت الگوهای فرهنگی ساکنین جستجو می‌کند. مخاطب اصلی این تحقیق گروه‌های عشایری هستند و دستاوردهای این پژوهش می‌تواند در برنامه‌ریزی معمارانه برای طراحی محیط‌ها و شهرک‌های اسکان عشایری استفاده گردد. با توجه مسئله تحقیق، مستندسازی تغییرات انتظام فضایی مسکن عشایر و ریشه‌یابی منشأ تغییرات انتظام فضایی محیط مسکونی آنان در محوریت اصلی تحقیق قرار می‌گیرد. اولین مفهومی که با توجه به رویکرد تحقیق مد نظر قرار می‌گیرد، توجه به مفهوم «فرهنگ» و ساختار تأثیرگذار آن بر شکل‌گیری محیط‌های مسکونی است.

الگوهای محیط ساخته شده تبلور بیرونی فرهنگ هستند (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۶۲) و ساختارهای انتزاعی نظیر فرهنگ به کنش‌های انضمامی و ترتیبات در فضا و محیط تبدیل می‌شوند (Lefebvre, 1991). راپاپورت فرهنگ را یک مفهوم نظری و برجسی بر طیفی از پدیدارهای انسانی می‌داند و محیط ساخته شده متأثر از روش زندگی و به‌عنوان یکی از پدیدارهای انسانی بخشی از فرهنگ است (Rapoport, 1993; 2005, 93). در محیط‌های ساخته شده، برقراری ارتباط مستقیم بین فرهنگ و محیط ساخته شده به سبب کلی‌گرایی و جامع بودن تعریف «فرهنگ»، غیرممکن به نظر می‌رسد. لذا به منظور آگاهی از ابعاد و وجوه خاصی از فرهنگ که در طراحی تأثیر دارند، ساختار کلی فرهنگ و سلسله عوامل تأثیرگذار آن بر محیط‌های ساخته شده تعریف گردیده است. در این باره، پوردیهیمی (۱۳۹۰؛ ۱۳۹۴) ضمن اصلاح نظریات راپاپورت (2005) طی یک نمودار بیان می‌نماید که فرهنگ از طریق سلسله مراتب جهان‌بینی، ارزش‌ها، روش زندگی<sup>۳</sup> فردی و جمعی و دیگر عناصر واسط همچون معانی بر محیط ساخته شده تأثیر می‌گذارد. آنچه که درباره مفهوم فرهنگ اهمیت دارد این است که نظام فرهنگی انسان براساس فرادادهای فرهنگی در گذر زمان شکل تقریباً ثابت و قدرتمندی پیدا می‌کند و لذا دیگر وجوه زندگی انسان شامل جهان‌بینی، نظام‌های ارزشی، روش زندگی و معانی را نظم داده و ثبات می‌بخشد (پهلوان، ۱۳۸۸؛ رفیع پور، ۱۳۸۹؛ آشوری، ۱۳۸۹).

محیط‌های مسکونی به لحاظ ابعاد روان‌شناختی و سکونتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، زیرا هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است، به بیان دیگر علاوه بر تأمین نیازهای شخصی باید نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی او را نیز بر آورده نماید (پوردیهیمی، ۱۳۹۰). نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی تحت تأثیر ذهنیات و معانی ساکنان تعریف می‌گردد که تعیین‌کننده خصوصیات محیط زندگی انسان هستند. محیط‌های مسکونی ایده‌آل باید با زندگی انسان هماهنگ باشند و ناگزیر تغییرات زندگی انسان، لزوم تطبیق‌پذیری مسکن را برای هماهنگی با خود می‌طلبد. بنابراین، محیط‌های مسکونی ایده‌آل باید امکان تغییرپذیری کالبدی برای هماهنگی با تغییرات اجتماعی را داشته باشند.

تغییرات اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی‌اش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید، نتیجه قطعی‌اش را ببیند یا نتیجه موقتی آن را دریابد. باید توجه داشت مفهوم تغییر اجتماعی با مفهوم دگرگونی اجتماعی متفاوت است، زیرا تحول یا دگرگونی اجتماعی در طول یک دوره طولانی، طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد و بررسی یک تحول اجتماعی، نیازمند نوعی بررسی تاریخی جامعه است (روشه، ۱۳۸۹، ۲۶-۳۰).

با توجه به مطلب فوق، حساسیت پژوهشگر به ردیابی چنین گونه‌هایی از مسکن تغییرپذیر منجر به این شد که در روند مطالعه چندساله مسکن عشایر ایل قشقایی، متوجه تغییراتی در کالبد مسکن آنان گردید.

مصاحبه‌های میدانی اولیه پژوهش مشخص نمود که این تغییرات کالبدی محیط مسکن، همزمان یا بعد از تغییرات اجتماعی مشخص در مسکن عشایری روی داده‌اند. بنابراین، مطالعه نظام‌مندی برای فهم چرایی و چگونگی این موضوع صورت پذیرفت.

اهداف این تحقیق عبارت‌اند از: (۱) مشاهده و ثبت تغییرات انتظام فضایی مسکن عشایر و (۲) بررسی منشأ تغییرات انتظام فضایی مسکن عشایر و هدف آرمانی آن، استفاده از توصیه‌ها و راهکارها در برنامه‌ریزی معمارانه برای طراحی محیط‌ها و شهرک‌های اسکان عشایری است. بنابراین پرسش‌های ذیل در این تحقیق مورد توجه خواهند بود: (۱) مصداق‌های تغییرات انتظام فضایی محیط مسکونی عشایر شامل چه مواردی هستند؟ و (۲) تغییرات انتظام فضایی محیط مسکونی عشایر از چه عواملی تأثیر می‌پذیرند؟

### پیشینه پژوهش

مسکن با ارزش‌های شناخته شده‌ای که به ما امنیت می‌بخشد، مرتبط است. لذا مسکن اهمیت و مرکزیت خاص خود را دارد (شولتز، ۱۳۸۲، ۵۲). گیفورد (۲۰۱۴) نیز مسکن را مهم‌ترین مکان زندگی انسان دانسته است و معتقد است، مسکن یک مجموعه از معانی فرهنگی، اجتماعی و روانی در حال تکامل است که انسان به ساختار کالبدی منضم می‌کند.

از آنجا که ساختن یک مسکن پدیده‌ای فرهنگی است، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن متأثر از محیط فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۱۳). محیط کالبدی و اجتماعی مسکن که زندگی انسان را دربر می‌گیرد، از نظر کالبدی و اجتماعی در ترکیب با محیط مسکونی در مقیاسی کلان‌تر است که بر محیط کالبدی و اجتماعی مسکن تأثیر می‌گذارد. این تأثیرات حاصل فرآیند ادراک انسان از پیام‌ها و معانی از محیط اجتماعی و کالبدی پیرامون است. ادراک انسان از معانی محیط کالبدی و اجتماعی کلان و خرد یا به تعبیری، محیط ادراک شده در ذهن انسان تحت فرآیندهای شناختی به بروز واکنش‌ها و رفتارهای مشخص می‌انجامد.

ادراک معانی محیط مبتنی بر طرحواره‌های ذهنی افراد است و رفتار فضایی افراد تحت تأثیر تصاویر ذهنی آنان از ساختار محیط قرار دارد. طرحواره‌های ذهنی از طریق فرآیندهای جذب و انطباق در سازمان درونی ذهن افراد [فرهنگ] ایجاد می‌شوند. فرهنگ یکی از عوامل مهم در شکل‌دهی به طرحواره‌های ذهنی افراد است و ادراک پیام‌ها و معانی نهفته در خصوصیات محیط پیرامون را میسر می‌سازد.

افراد معانی خود را بر محیط ساخته شده حاکم می‌نمایند تا محیط ادراکی دیگر افراد را در تعاملات اجتماعی تحت تأثیر قرار دهند و بدین منظور، روابط و تعاملات اجتماعی خود را با دیگر افراد در محیط اجتماعی تنظیم نمایند. در نظریه کنش اجتماعی<sup>۴</sup> نیز انگیزه و راهنمای رفتارهای انسان معانی‌ای است که فرد آنها را از دنیای خارج کشف می‌کند، معانی‌ای که توجهش را جلب می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد (روشه، ۱۳۹۱، ۹۲).

محیط زندگی انسان جزئی از یک محیط مسکونی است. ترکیب محیط خرد زندگی افراد مقیاس کلان‌تری از محیط کالبدی و البته محیط اجتماعی را به وجود می‌آورد که روش زندگی اجتماعی در آن صورت می‌گیرد و تأثیرات متقابلی را بین افراد در محیط اجتماعی به وجود می‌آورد. ذات معنی در چگونگی سازماندهی تعاملات اجتماعی است که در روش زندگی جمعی اهمیت پیدا می‌کند. برای برقراری تعاملات دوسویه بین انسان و محیطش، به‌ویژه روابط میان‌فردی، جنبه‌های ذهنی همچون ارزش‌ها و معانی اهمیت دارد. از آنجا که تعاملات اجتماعی انسان تحت تأثیر تغییرات اجتماعی پیرامون اطراف اوست، لازم است رابطه بین معنی، مسکن و تغییرات اجتماعی مشخص گردد.

درخصوص پیشینه تحقیق معناشناسی، نوشته‌های راپاپورت (1990; 2005) مهم‌ترین منابع در زمینه معانی فرهنگی هستند و تکیه اصلی مبانی بر آن قرار گرفته است. دیگر رویکردها و روش‌ها در حوزه معناشناسی همچون پولانی (1964)، هرشبرگر (1970)، گیسون (1979) و شولتز (1980) به لحاظ فقدان ارتباط رویکردی با جریان تحقیق مورد توجه قرار نگرفته است.

درخصوص پیشینه مطالعات تغییرات در محیط مسکونی می‌توان به مطالعات پندار (۱۳۹۶) اشاره کرد که به منظور فهم و طبقه‌بندی علل و عوامل شکل‌دهنده به روایت ساکنین از تغییرات کالبدی، مدل مفهومی در بازسازی تجربه ساکنین را در قالب روایت‌شناسی در بابل‌سارائه نموده است. در پژوهش‌های دیگری پندار و ذکاوت (۱۳۹۵) با رویکردی طراحی شهری با اتکا به مفهوم رضایتمندی به روند دگرذیسی کالبدی در محیط مسکونی پرداخته‌اند که در دیگر پژوهش‌های این نویسندگان ادامه یافته است. لیکن با توجه به اینکه مقاله حاضر به معماری مسکونی عشایری می‌پردازد، بحث مطالعات تغییرات شهری از دایره مطالعات این پژوهش خارج است.

درخصوص ایل قشقایی پیشینه تحقیق مناسبی در حوزه‌های مردم‌نگاری و معماری وجود دارد. نحوه معیشت ایل کوچروی قشقایی مبتنی بر دامداری و بعضاً کشاورزی در محدوده عرفی سکونت آنان است. مطالعات مردم‌نگاری در باب آداب و رسوم و دیگر وجوه زندگی ایل قشقایی توسط کیانی (۱۳۷۷) به انجام رسیده است. عنصر اصلی مسکن عشایر قشقایی، سیاه‌چادرهای دستباف با سازه‌ای از طناب و دیرک چوبی است که مطالعات کاملی در این مورد وجود دارد (افشاری، ۱۳۸۳). بنابراین برای فهم وجوه مردم‌شناسانه و معماری تحقیق، مطالعات فوق‌زمینه مناسبی را ایجاد می‌کند. شایان ذکر است که پژوهش حاضر در حوزه معماری عشایری تاکنون سابقه‌ای نداشته است و از حیث چارچوب مفهومی، روش‌شناسی و استفاده از ترکیب دیدگاه‌های مختلف برای دستیابی به یافته‌های تحقیق، نوآوری محسوب می‌شود.

### مبانی نظری پژوهش

مقوله «معنا» در این پژوهش در انطباق با مفهوم معنا در نگاه راپاپورت (1990) و چمر و (2003) به‌کار گرفته شده است. معانی به صورت عقایدی در مورد روابط میان خصوصیات محیط و توانایی‌های افراد و در مورد پیامدهای این روابط تعریف می‌شوند. معنا به‌عنوان تابعی از مسکن و خصوصیات مسکن تلقی می‌گردد. مسکن به نحوی ساخته می‌شود که بتواند از پس فعالیت‌هایی که افراد خواستار انجامشان در آنها هستند، برآید و نیز بتواند دیگر کارکردهای پنهان و آشکاری را که افراد انتظار انجامشان را دارند برآورده سازد.

راپاپورت بر اهمیت معنا در درک محیط ساخته شده تأکید می‌کند (Rapoport, 1990). معنا یکی از مکانیسم‌های اصلی ارتباط‌دهی محیط‌های ساخته شده و افراد به‌واسطه فراهم ساختن منطقی برای چگونگی ساخت و استفاده از محیط‌های ساخته شده است. وی همچنین استدلال می‌کند معنا تنها جزئی از عملکرد نیست، بلکه اغلب مهم‌ترین کارکرد محیط ساخته شده است. معنا نقش مهمی در کمک به توضیح تفاوت‌های اساسی در ارزیابی، ترجیحات و انتخاب بین بهره‌برداران دارد (Rapoport, 2005, 48). اهمیت معنی می‌تواند بر مبنای این دید باشد که فکر انسان اساساً سعی در ایجاد معنی در جهان از طریق استفاده از تمایز و دسته‌بندی دارد (Rapoport, 1990, 15-16; 2005, 26).

مفهوم دیگری که در مطالعه معنا اهمیت دارد، نظریه گیسون (1979) درخصوص قابلیت‌ها است که تمرکز آن هم بر روی روابط افراد و محیط است. محیط مؤثر هر فرد شامل چیزها می‌شود، یعنی چیزهایی که جهت‌گیری هر فرد به سمت آنها است و نقاط کانونی‌ای که فعالیت هر فرد پیرامون آن سازمان

می‌یابد. چیزها برحسب امکاناتی که برای اعمال، مقاصد، اهداف و ارزش‌ها عرضه می‌کنند برای افراد ارزشمند هستند؛ یعنی ممکن است یک چیز دارای خصوصیات خاصی درخصوص هدف فرد باشد. مفهوم قابلیت‌ها (Gibson, 1979) اساساً این همخوانی میان خصوصیات ساختاری محیط و مقاصد و اهداف فرد را پررنگ می‌سازد. قابلیت‌ها، روابط میان خصوصیات محیط و توانایی‌های افراد هستند (Chemero, 2003).

خصوصیات محیط تنها وجهی از رابطه پویای میان فرد و محیط است. وجه دیگر، اعمال قصدی افراد است و این جنبه از رابطه فرد و محیط در گزینش، کشف و خلق خصوصیات محیطی معنادار آشکارتر می‌شود (Heft, 2001). مطابق با نظریه قابلیت‌ها، معانی چیزها (و مکان‌ها) در روابط میان خصوصیات محیط و انسان قرار دارد (Chemero, 2003). در این روابط است که معانی کشف می‌شوند، جایی که در آن خلق شده‌اند. معنا چیزی نیست که در یک چیز، ذاتی باشد، جزئی ذاتی یا خصوصیتی از آن چیز نیست؛ معنای هر چیز در رابطه میان آن چیز و فرد موجودیت می‌یابد.

خصوصیات محیط و روی دادن فعالیت‌ها در زندگی انسان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. در این زمینه، پوردیهیمی (۱۳۹۰) می‌نویسد: «خصوصیات محیط‌های مسکونی به ویژگی فعالیت‌های درونی آنها وابسته است که ارتباط بین فرهنگ و محیط آنها را تعیین می‌کند.» فعالیت‌ها در جنبه پنهان یعنی معنی فعالیت‌ها متفاوت هستند (Rapoport, 1993, 18)، از این رو معنی یا وجه پنهان فعالیت، مهم‌ترین جنبه آن است. هر فعالیت را می‌توان از طریق وجه آشکار یا فعالیت محض، راه خاص انجام آن، فعالیت‌های مرتبط با آن در نظام فعالیت‌ها و معنی فعالیت تحلیل نمود (Rapoport, 1990, 15-16; Rapoport, 2005, 26). معنی یا وجه پنهان فعالیت مهم‌ترین جنبه آن است. در این زمینه، کولن (2008)، میسترز (2009) و نورتقانی (۱۳۹۱) ساختار معانی خصوصیات محیط و فعالیت‌ها را در محیط‌های مسکونی بررسی نموده‌اند.

آنچه از مبانی نظری فوق استنتاج می‌شود این است که معانی در انتظام محیط مسکن نقش اساسی ایفا می‌کنند و طبعاً تغییرات انتظام فضایی مسکن نیز از این مسئله مستثنی نیست. از منظر این تحقیق، محیط‌های مسکونی ایده‌آل باید امکان تغییرپذیری کالبدی را برای هماهنگی با تغییرات اجتماعی داشته باشند و مطابق با مشاهدات میدانی پژوهش، سکونتگاه‌های عشایری به خاطر ساختار منعطف سازه‌های چادری خود این قابلیت را دارا هستند.

یکی دیگر از مفاهیمی که به مطالعه محیط رفتاری انسان کمک نموده و در این تحقیق مورد توجه بوده است، مفهوم «قرارگاه رفتاری»<sup>۵</sup> است. دانشمندان علوم رفتاری این مفهوم را با پژوهش در رفتار در محیط واقعی و زندگی روزمره افراد مورد توجه قرار داده‌اند. «بارکر» بنیانگذار روان‌شناسی اکولوژیک<sup>۶</sup> و نظریه قرارگاه رفتاری به مطالعه روابط میان رفتارهای هدفمند اشخاص و قرارگاه‌های رفتاری آن پرداخته است (Barker, 1968; Wicker, 1979). روان‌شناسان اکولوژیک محیط واقعی زندگی و رفتار انسان را متشکل از واحدهایی می‌دانند که در ارتباط با هم، اما در عین حال مستقل از هم کار می‌کنند. این واحدها ترکیبی از «رفتار-کالبد» هستند که بارکر و همکارانش آن را «قرارگاه رفتاری» نامیده‌اند. قرارگاه‌های رفتاری به واسطه مکان‌ها و زمان‌های مشخص تعریف می‌شوند و عناصر انسانی و کالبدی آن به گونه‌ای سازمان یافته عمل می‌کنند که فعالیت‌ها در نظم قاعده‌مند اتفاق می‌افتد. یک قرارگاه رفتاری ترکیبی از الگوهای رفتاری دائمی (تکرار شونده) و ظرف کالبدی است (Barker, 1968) که دوره زمانی رویداد الگوهای رفتار نیز بدان افزوده شد (Wicker, 1979). قرارگاه‌های رفتاری تأثیری تعیین‌کننده بر رفتار دارند، لذا بر تعاملات اجتماعی در محیط تأثیر می‌گذارند (Barker, 1968). به سبب اهمیت این مفهوم، محیط نظامی از قرارگاه‌های رفتاری<sup>۷</sup> نیز تعریف شده است (Rapoport, 2005, 24).

مطابق با جدول ۱ چارچوب مفهومی پژوهش بر پایه این مفاهیم استوار است: (۱) «معنا» توسط راپاپورت (1990) و چمرو (2003)؛ (۲) «قابلیت‌ها» (Gibson, 1979)؛ (۳) «قرارگاه رفتاری» (Barker, 1968)؛ و (۴) «مدل ابزار-غایت». با توجه به ماهیت پیمایشی و اکتشافی مسئله مطالعه معنای خصوصیات مسکن و چارچوب نظری وابسته به آن، از «مدل ابزار-غایت»<sup>۸</sup> استفاده شده است. «ابزار-غایت» مدلی است که تلاش می‌کند گزینه‌های انتخابی افراد را به ارزش‌ها، اهداف و معانی آنها نسبت دهد که در زمینه فرآیند کشف معانی محیط کاربرد دارد. کولن (۱۳۹۷) عقیده دارد چارچوبی که ارزش‌های افراد و گزینه‌های انتخابی آنان را در محیط به هم مرتبط می‌سازد، «مدل ابزار-غایت» است. کولن (۱۳۹۷) از مدل ابزار-غایت برای مطالعه ارتباط خصوصیات محیط مسکن و معانی افراد و توضیح چرایی ترجیح و انتخاب این خصوصیات استفاده نموده است. «مدل سلسله ابزار-غایت»<sup>۹</sup> مدلی است که ابتدا در بازاریابی بر اساس ربط خصوصیات و کشف پیامدها به ارزش‌های مورد نظر مخاطبین اهمیت می‌دهد (Gutman, 1982) و این مدل به لحاظ استفاده از یک مصاحبه نردبانی برای کشف سلسله «خصوصیت، پیامد و ارزش»<sup>۱۰</sup> به نظریه نردبانی نیز مشهور است.

جدول ۱. بنیان‌های چارچوب مفهومی پژوهش

ردیف	مفهوم	تعریف
۱	مفهوم‌سازی «معنا» توسط راپاپورت (1990) و چمرو (۲۰۰۳)	عقاید یا باورهایی در مورد روابط میان خصوصیات محیط و توانایی‌های افراد و پیامدهای این روابط
۲	مفهوم‌سازی «قابلیت‌ها» توسط گیبسون (۱۹۷۹)	روابط میان خصوصیات محیط و توانایی‌های افراد
۳	مفهوم‌سازی «قرارگاه رفتاری» توسط بارکر (۱۹۶۸)	واحدها ترکیبی از «رفتار-کالبد-زمان» در محیط
۴	مفهوم‌سازی «مدل ابزار-غایت» توسط کولن (۱۳۹۷) و گاتمن (1982)	ارتباط خصوصیات محیط مسکن و معانی افراد

آنچه که در مطالعه تغییرات انتظام محیط مسکن اهمیت دارد، نقش معانی در هدایت تغییرات کالبدی محیط مسکن با توجه به نقاط عطف تغییرات اجتماعی ساکنین است. با توجه به این مطلب، روش تحقیق و ابزارهای این پژوهش متناسب با فهم نقش معنی در تغییرات محیط مسکن ساماندهی شده است و مطالعه هدفمند موردی درخصوص اثرگذاری معنی بر تغییرپذیری مسکن عشایر ایل قشقایی تدارک دیده شده است.

## روش تحقیق

با توجه به ماهیت اکتشافی مسئله و چارچوب نظری پژوهش که مربوط به فهم عوامل تأثیرگذار بر تغییرات محیط مسکن است و همچنین به لحاظ ابعاد فرهنگی و اجتماعی پژوهش از «روش تحقیق کیفی» با «نمونه‌گیری نظری هدفمند» استفاده شده است (گروت و وانگ، ۱۳۸۸؛ حافظ‌نیا، ۱۳۸۹؛ Charmaz, 2006; Creswell, 2007). از جهتی نیز پژوهش کیفی راهی برای رسیدن به محتوای ذهنی افراد است (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱) که با توجه به خواسته‌های پژوهش، تحقیق کیفی برای فهم نقش معانی برای افراد در تغییرات محیط مسکن مناسب است.

ابزارها و تکنیک‌های لازم این تحقیق برای مستندسازی تغییرات کالبدی محیط، عکس‌برداری و ترسیم نقشه‌های معماری بوده است. در محیط زندگی انسان، علاوه بر روی دادن خود فعالیت‌ها و جوه زمانی و فضایی آنها نیز اهمیت دارد. روی دادن فعالیت‌ها در محیط مسکن با زمان‌مندی و فضا‌مندی همراه است



که نظام فعالیت‌ها را در نظامی از قرارگاه‌های رفتاری در محیط زندگی شکل می‌دهد. متعاقب ترسیم نقشه انتظام فضایی مسکن نمونه‌های پژوهش، طی مصاحبه‌های میدانی، دیاگرام انتظام قرارگاه‌های رفتاری در ارتباط با فعالیت‌ها در مسکن نیز ترسیم گردید.

فرآیند مصاحبه تحقیق که بر اساس «مدل ابزار- غایت» تنظیم گردیده است، با توجه به ثبت تغییرات خصوصیات فضایی مسکن انجام گردید. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پژوهش به صورت نردبانی و با طرح چراهای متوالی، پیامدهای خصوصیات و متعاقباً معانی حاکم بر تغییرات خصوصیات مسکن را مورد پرسش قرار داده است. درمورد هر تغییر خصوصیت مسکن با طرح چراهای متوالی از سوی مصاحبه‌گر تا فهم تمامی معانی قابل بیان مصاحبه‌شوندگان ادامه می‌یافت. پایان چراهای متوالی موقعی است که مصاحبه‌شوندگان مطالب دیگری برای اضافه کردن به پاسخ‌ها ندارند. طرح چراهای متوالی، رهنمون اشباع نظری داده‌ها در هر مصاحبه به شمار می‌رفت.

نقطه آغاز تعیین معانی مرتبط با هر تغییر محیط مسکن به وسیله تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با نام نردبانی سنجیده می‌شود (Gutman, 1982). این مصاحبه مطابق با قالبی مناسب در ابتدا به وسیله مجموعه‌ای از پرسش‌های جهت‌دار که «علت تغییر این خصوصیت مسکن برای شما در چه چیزی است؟» شروع شده و سپس ادامه می‌یابد. هدف این شکل مصاحبه تعیین رابطه میان تغییر هر خصوصیت از یک طرف و معنی یا معانی این تغییر خصوصیت مسکن برای پاسخ‌دهنده از طرف دیگر است که نتایج آن طی نمودار «سلسله پیامد-معنی» ارائه شده است.

با توجه به نیاز به مراجعات متوالی برای انجام مشاهده و مصاحبه، زمان انجام این تحقیق طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ شمسی بوده است. تعداد دفعات مصاحبه هفده مصاحبه در محیط عشایری اول و سیزده مصاحبه در محیط عشایری دوم از سرپرستان خانوار بوده است. اطلاعات گردآوری شده در قالب نقشه‌های انتظام فضایی، دیاگرام‌های قرارگاه‌های رفتار، تصاویر محیط و فعالیت‌ها، محتوای مصاحبه‌ها و برداشت‌های محقق از مشاهده و مصاحبه جهت تحلیل محتوای آن (کرپیندورف، ۱۳۹۰) مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت.

تحلیل محتوا مرحله‌ای از فرآیند پردازش اطلاعاتی است که به وسیله آن محتوای داده‌های خام با استفاده از قوانین طبقه‌بندی شده و نظام‌مند تغییر و تبدیل می‌شود و به صورت داده‌های خلاصه‌شده و قابل مقایسه در می‌آید (آذر، ۱۳۸۰، ۴). در این پژوهش، محتوای اطلاعات گردآوری شده در بخش‌های مختلفی از جمله خصوصیات فضایی، ویژگی‌های قرارگاه‌های رفتار و تغییرات انتظام فضایی محیط مورد تحلیل قرار گرفت. در این مرحله داده‌های مبتنی بر مشاهده و مصاحبه به صورت کدگذاری باز مورد توجه قرار گرفت. رویکرد کدگذاری اطلاعات توسط روش فوق بر پایه کدگذاری «باز، محوری و انتخابی» است (استراس و کوربین، ۱۳۸۷) که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. کدگذاری‌ها به صورت گزاره‌های خصوصیات- پیامد- معنی در قالب نمودارهای مربوطه ارائه گردید.

همچنین پایایی و روایی نتایج تحلیلی با توجه به مسئله و چارچوب نظری پژوهش مورد توجه قرار گرفت و رعایت گردید. برای رعایت «روایی» فرآیند انجام و کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها، محتوای ضبط شده مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر و دو نفر کارشناس روش تحقیق کنترل شد تا با ایجاد «توافق نظری» اطمینان لازم از سنجش درست مقولات پژوهش حاصل گردد. برای رعایت «پایایی»، پژوهش در دو گروه مشابه به صورت موازی و مستقل از هم صورت گرفت که با توجه به یکسان بودن نتایج و کدگذاری‌ها از ثبات نتایج اطمینان حاصل شد.

## انتخاب نمونه موردی هدفمند

در پژوهش کیفی نمونه‌گیری با پژوهش کمی تفاوت بسیار دارد، زیرا هدف آن بجای تعمیم یافته‌ها، درک عمیق از پدیده مورد بررسی است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات درباره پدیده مورد بررسی انجام می‌شود، لذا در پژوهش کیفی، نمونه‌های پژوهش انتخاب یا دعوت می‌شوند (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱).

در انجام این تحقیق انتخاب محیط مناسب تحقیقاتی اهمیت خاصی داشت تا هدف آرمانی یعنی استفاده از توصیه‌ها و راهکارها در برنامه‌ریزی معمارانه برای طراحی محیط‌ها و شهرک‌های اسکان عشایری مد نظر باشد؛ به همین دلیل محیط بومی «ایل قشقایی» مورد مطالعه موردی قرار گرفت. آشنایی نویسنده با محیط نمونه موردی و بسندگی مطالعات قوم‌شناسی و البته معماری در انتخاب کلی محیط بومی «ایل قشقایی» تأثیر داشت. اما به‌طور کلی، روشمندی این تحقیق می‌تواند به‌عنوان سرمشق پژوهشی برای سایر گروه‌های عشایری مورد توجه باشد.

درخصوص محیط بومی «ایل قشقایی»، محیط بومی دو گروه عشایری «ایل قشقایی» در جنوب ایران در محدوده استان‌های اصفهان، فارس و بوشهر مورد مطالعه موردی قرار گرفته است. دو گروه نمونه انتخاب شده از ایل قشقایی هم دارای یکپارچگی فرهنگی هستند و هم مسکن آنها یعنی سیاه‌چادرهای قشقایی، به لحاظ تغییرپذیری نمونه‌ای ایده‌آل برای مطالعه تغییرات اجتماعی خانوار و نقش معنی در تغییرات محیط مسکن است که یافته‌های تحقیق گواه این ادعا است. البته شایان ذکر است که با توجه به سفرها و کاوش‌های میدانی محقق، این دو گروه تقریباً آخرین نمونه گروه‌های عشایری قابل تحقیق برای این پژوهش از عشایر ایل قشقایی هستند.

گروه اول پژوهش از «ایل قشقایی، طایفه دره‌شوری، تیره عشیرلو، بنکوی عراقی» و گروه دوم از «ایل قشقایی، طایفه شش‌بلوکی، تیره رحیملو، بنکوه‌های حاجیلو و رضاکانلو» انتخاب گردید. موقعیت گروه اول در استان اصفهان، شهرستان شهرضا، منطقه عشایر نشین آیین و موقعیت بیلاقی گروه دوم در استان اصفهان، شهرستان سمیرم، منطقه عشایر نشین سرتاق و دشت جرکان قرار دارد.

نکته مهم در مورد ایل قشقایی و به‌طور کلی محیط‌های مسکونی عشایری، ساخت و انتظام محیط مسکن توسط خود خانوارهای عشایری است. این گونه مسکن، نسبت به دیگر انواع مسکن در محیط‌های شهری یا روستایی دارای این وجه تمایز است که تمام اجزای مسکن عشایری توسط اعضای خانوارهای عشایری ساخته و ساماندهی می‌شود و مستقل از دخالت دیگر افراد به‌خصوص خارج از محیط اجتماعی و فرهنگی آنان انتظام می‌یابد. بنابراین برای مطالعه مؤلفه‌های فرهنگی و وجوه معنادار محیط زندگی انسان مناسب است.

## یافته‌ها

مطالعه تغییرات انتظام فضایی مسکن، ابعادی متفاوت از عوامل تغییرات محیط زندگی انسان را می‌شناساند و بر کارآمدی و انتخاب مناسب مطالعه موردی پژوهش صحنه می‌گذارد. مطابق با تکنیک‌های روش تحقیق، مطالعه تغییرات اجتماعی و انتظام فضای مسکن عشایری منجر به ایجاد جدول تحلیل تغییرات انتظام فضایی گردید. در جدول ۲ نوع تغییرات به‌وجود آمده در مسکن و عامل ایجاد تغییر در قالب نمودارهای خصوصیت-پیامد-معنی تشریح گردیده‌اند. در این تحقیق، تغییرات مشاهده شده محیط



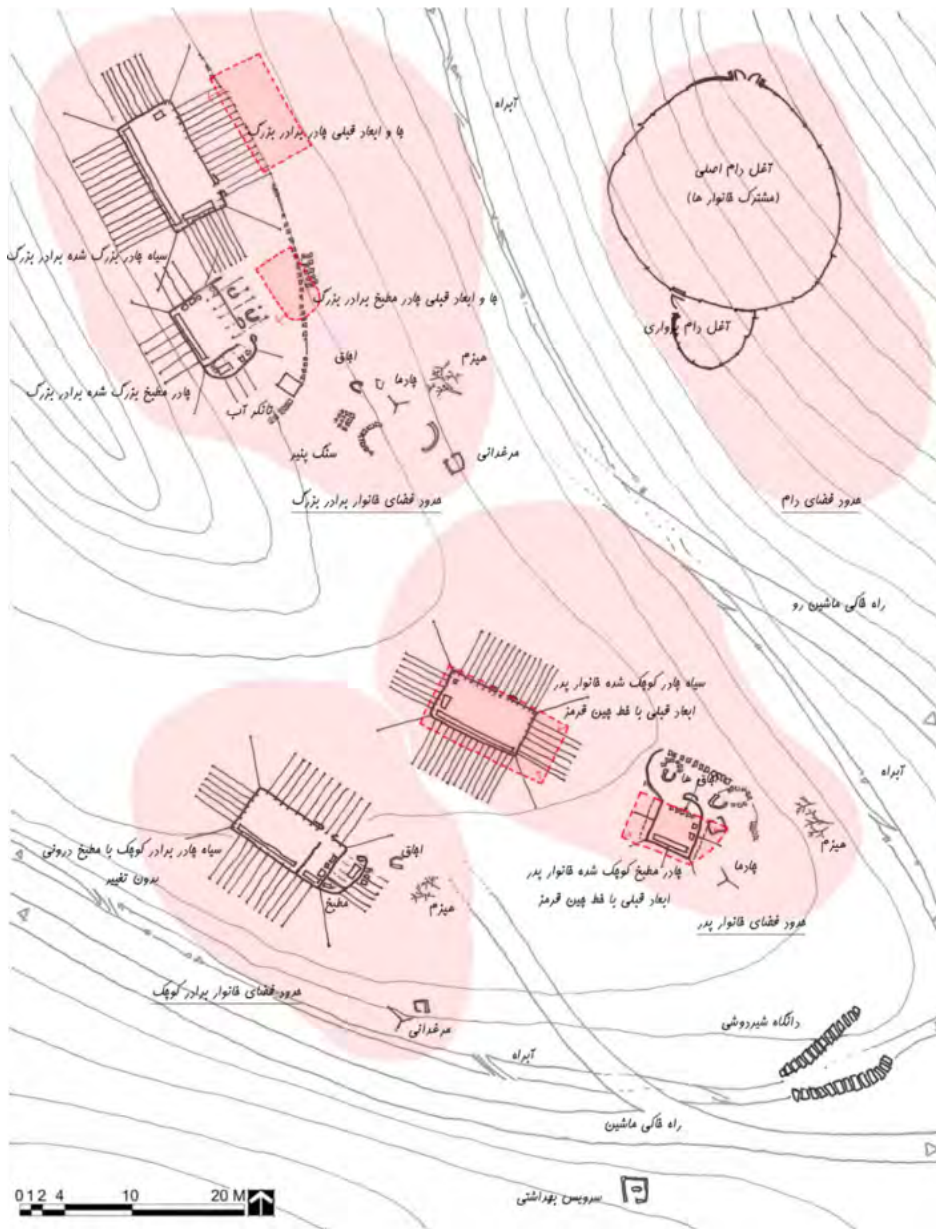
مسکن شامل: «تغییر در ابعاد فضایی، جهتگیری جغرافیایی، فن ساخت، فواصل فضایی، وجود یا فقدان عناصر فضایی یا تغییر محل عناصر فضایی» بود. مصاحبه‌های میدانی پژوهش مشخص نمود که این تغییرات محیطی که عمدتاً در مصاحبه‌های حضوری توسط مصاحبه‌شوندگان بیان نمی‌گردند، همزمان یا بعد از تغییرات اجتماعی مشخص در مسکن عشایری روی داده‌اند.

جدول ۲. نمونه جدول تحلیل تغییرات انتظام فضایی

نوع تغییرات به وجود آمده در مسکن	عامل ایجاد تغییر	خصوصیت ◀ پیامد ◀ معنی
توجه به تصاویر هوایی چند سال اخیر ترسیم خصوصیات مسکن نمونه‌ها	ثبت نقاط عطف تغییرات اجتماعی	ثبت اطلاعات بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پژوهش

در جریان گردآوری داده‌ها، فرآیند رفت و برگشتی بین «مشاهده» و «مصاحبه» شامل «مشاهده-مصاحبه-مشاهده»، یا «مصاحبه-مشاهده-مصاحبه» به صورت مکرر صورت پذیرفت. لذا رویکرد تحلیلی مناسبی برای خروجی «داده‌های ترکیبی مشاهده و مصاحبه» مورد استفاده قرار گرفت تا کوچکترین نکات بااهمیت مربوط به تغییرات انتظام فضایی مسکن و معانی حاکم بر آن که بازتاب مسائل اجتماعی هستند، مورد توجه قرار گیرد.

تغییرات متأثر از تغییرات اجتماعی خانوار از منشأ یک تغییر اجتماعی مانند فوت پدر یا مادر خانوار، یا دیگر تغییرات اجتماعی در درون خانوار آغاز می‌شود. فوت پدر یا مادر (فوت مادر پس از پدر) در یک خانوار باعث تغییر در سلسله مراتب اجتماعی منزلت خانواده پسر بزرگتر در خانوار می‌گردد. این تغییر در سلسله مراتب اجتماعی موجب پیامدهایی همچون کوچکتر شدن سیاه‌چادر خانواده پدری و بزرگتر شدن سیاه‌چادر خانواده پسر بزرگ و دیگر تغییرات وابسته به آن می‌گردد. شکل ۱ گویای این تغییرات نمایش سلسله مراتب جدید جایگاه اجتماعی در خانوار است. اشکال ۱ تا ۳ وضعیت یک یورد (سکونتگاه) عشایری و تغییرات آن طی چهار تغییر سال تحت تأثیر تغییرات اجتماعی را در یک خانوار عشایری نشان داده است. در این یورد، پدر خانوار فوت شده است و لذا در سلسله مراتب اجتماعی پسر بزرگ مسئول خانوار است.



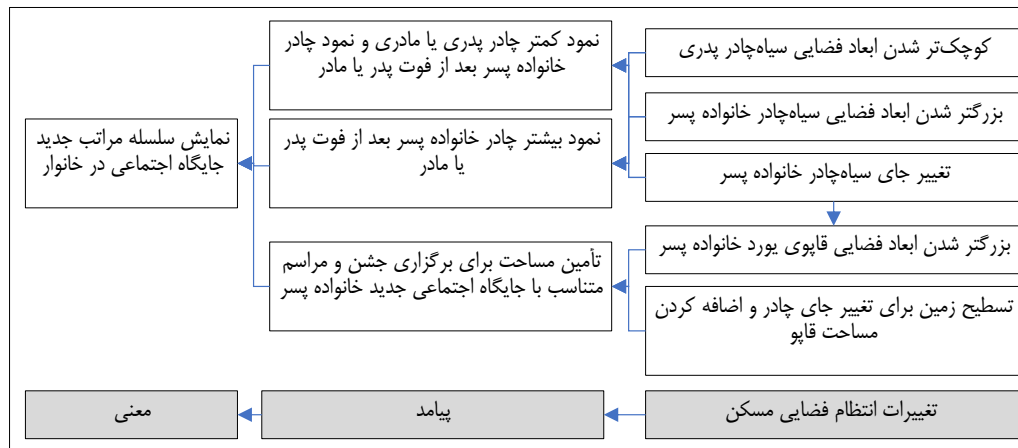
شکل ۱. وضعیت یک یورد (سکونتگاه) عشایری بعد از فوت پدر خانوار (خط چین قرمز رنگ بیانگر ابعاد و محل چادرها قبل از فوت پدر است).

مطابق با شکل ۱ در سال‌های بعد از مرگ پدر، سیاه‌چادر پدری کوچک شده است و در عوض، سیاه‌چادر پسر بزرگ متناسب با جایگاه او در خانوار، بزرگتر از سایر چادرها شده است. حتی سیاه‌چادر و چادر مطبخ او ضمن تسطیح شیب زمین به عقب‌تر منتقل شده است تا مساحت قاپوی [محوطه باز جلوی سیاه‌چادر] آن برای رویدادهای جمعی در مقیاس روش زندگی اجتماعی خویشاوندی و عمومی مناسب‌تر شود و سیاه‌چادر اصلی زندگی او نیز متناسب با جایگاه اجتماعی جدید وی نمایان و شاخص گردد. خط‌چین‌ها قرمز رنگ شکل ادامه‌گویی تغییرات ابعاد و محل سیاه‌چادرها هستند. باید توجه داشت که بزرگتر یا کوچکتر بودن ابعاد سیاه‌چادر در محیط عشایری مسئله‌ای «نسبی» است و به‌عنوان یک قابلیت

در خدمت تأمین معانی حاکم بر آن است. در تصاویر این یورد سیاه‌چادر برادر بزرگ به صورت «نسبی» از دیگر چادرها بزرگتر شده است که معانی آن از خلال روابط اجتماعی و تضادهایشان درک می‌شود.

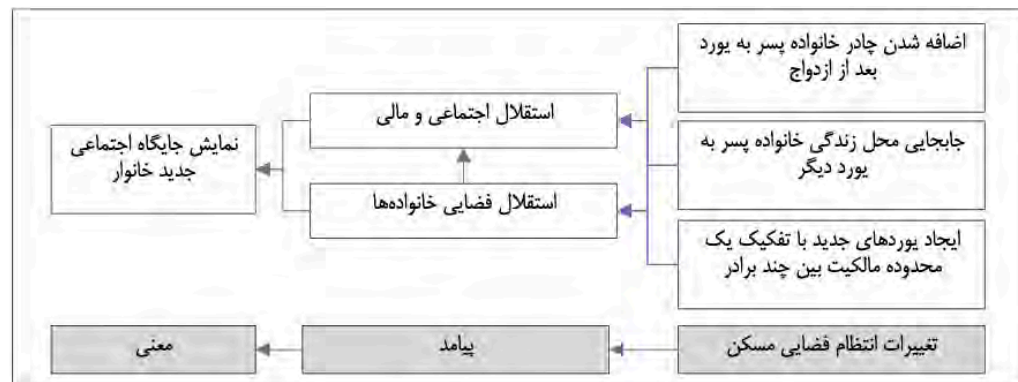


شکل ۲. وضعیت یورد پس از فوت پدر خانوار



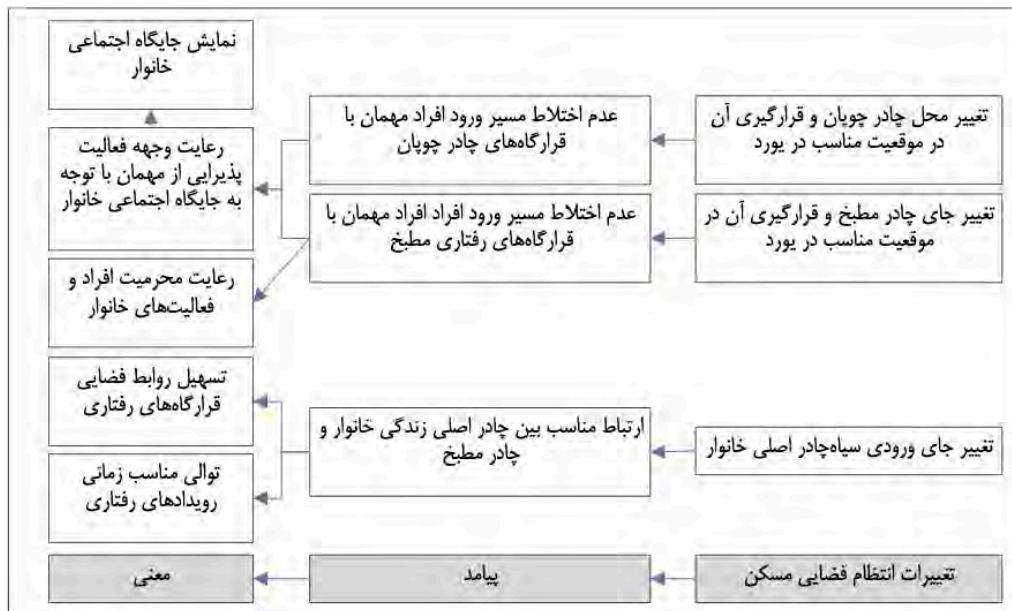
شکل ۳. نمودار سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی یورد با منشأ «تغییرات اجتماعی خانوار»

گروهی از تغییرات انتظام فضایی مسکن نیز با منشأ «نمایش جایگاه اجتماعی جدید» صورت می‌پذیرد. شکل ۴ نشان‌دهنده این تغییرات و پیامدها و معانی حاکم بر چنین تغییراتی است که از منشأ ازدواج پسر خانوار و یا تفکیک یک محدوده مالکیت بین چند برادر پس از فوت پدر خانوار اتفاق می‌افتد و منجر به استقلال اجتماعی خانوارها و در نهایت «نمایش جایگاه اجتماعی جدید خانوار» می‌گردد.



شکل ۴. نمودار سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی یورد با منشأ «نمایش جایگاه اجتماعی جدید خانوار»

دسته‌ای از تغییرات انتظام فضایی مسکن در خصوص رعایت و جبهه فعالیت پذیرایی از مهمان با توجه به جایگاه اجتماعی خانوار برای «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» یا «رعایت محرمیت افراد و فعالیت‌های خانوار» بوده، با پیامدهایی همچون تغییر جای چادر مطبخ، تغییر جای ورودی و تغییر محل چادر چوپان در یورد همراه است. همچنین با تغییر جای چادر مطبخ، جای ورودی سیاه‌چادر اصلی خانوار برای «تسهیل روابط فضایی قرارگاه‌های رفتاری» و «توالی مناسب زمانی رویدادهای رفتاری» تغییر کرده است. سمت و سوی این تغییرات برای اصلاح وضعیتی در یورد عشایری است که منجر به عدم تطابق با الگوهای فرهنگی گردیده است. شکل ۵ برآیند سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی محیط یورد با منشأ «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» را نشان می‌دهد.

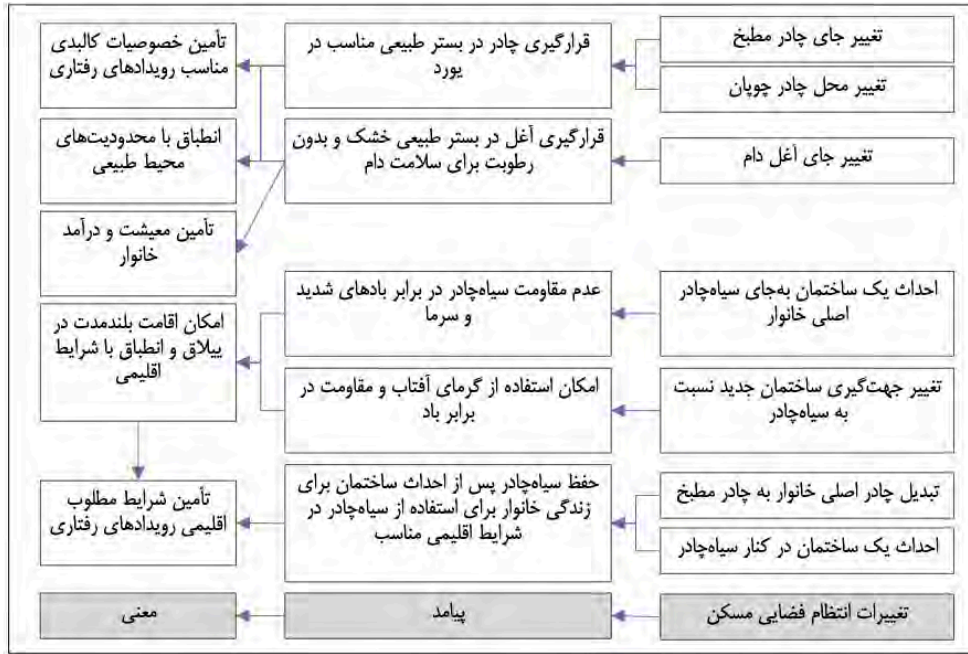


شکل ۵. نمودار سلسله پیامد-معنی تغییرات انتظام فضایی یورد با منشأ «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار»

شکل‌های اخیر نشان می‌دهند در یوردهای ایل قشقایی، پیامدها و معانی تغییرات انتظام فضایی مسکن با منشأ یک تغییر اجتماعی در روش زندگی شروع می‌شود و چگونه پاسخگوی معانی و الگوهای فرهنگی است. تغییرات یوردهای عشایری هدفمند و دارای نظم هستند. آشنایی با معانی حاکم بر تغییرات انتظام فضایی یوردهای عشایری و پیامدهای آن، محقق را قادر به تشخیص الگوی تغییرات اجتماعی و پیش‌بینی تغییرات محیط‌های عشایری می‌نماید.

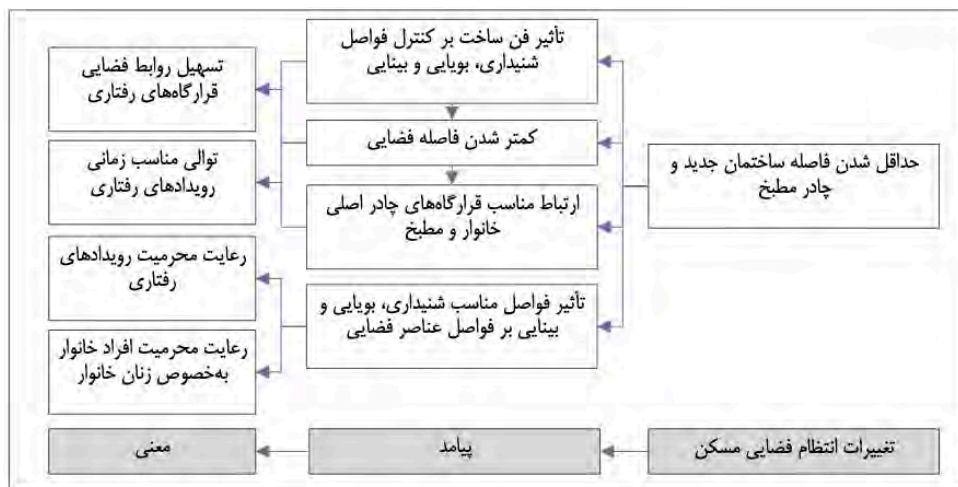
بخشی از تغییرات انتظام فضایی یورد نیز به منظور انطباق با محدودیت‌های محیط طبیعی انجام می‌گیرد. این تغییرات شامل تغییر جای چادر مطبخ یا آغل دام به دلیل بستر طبیعی نامناسب برای تأمین خصوصیات کالبدی مناسب رویدادهای رفتاری و احداث ساختمان بنایی به جای سیاه‌چادر برای اقامت بلندمدت هستند. نمودار ذیل گویای سلسله پیامد- معنی تغییرات متأثر از انطباق با محدودیت‌های محیط طبیعی است.





شکل ۶. نمودار سلسله پیامد- معنی تغییرات متأثر از انطباق با محدودیت‌های محیط طبیعی

ایجاد ساختمان جدید با تغییراتی نسبت به فواصل فضایی عناصر یورد چادری همراه شده است. فن ساخت جدید بنایی با جداره‌های ضخیم امکان کنترل مناسب شنوایی، بویایی و بینایی را فراهم می‌آورد و پاسخگوی معانی و الگوهای فرهنگی تنظیم فواصل شنیداری، بویایی و بینایی «رعایت حریمیت» می‌شود. بنابراین مطابق با تصاویری که در ادامه آورده شده باعث کمتر شدن فاصله ساختمان جدید و چادر مطبخ در یورد عشایر می‌گردد. پیامد کمتر شدن این فاصله، «تسهیل روابط فضایی قرارگاه‌های رفتاری» و «توالی مناسب زمانی رویدادهای رفتاری» است. بنابراین معانی ثابت همچنان بر انتظام فضاها حاکم هستند. نکته آموزنده این گونه تغییرات، قدرت تأثیرگذاری معانی همچون «رعایت حریمیت خانواده» بر انتظام فضاهای زندگی است و به محض پاسخگویی به آن توسط فن ساخت جدید و تأمین مناسب فواصل کمتر برای رعایت حریمیت، «تسهیل روابط فضایی قرارگاه‌های رفتاری» بر انتظام فضاهای زندگی در یوردهای عشایری مورد توجه قرار می‌گیرد. در شکل ۷ ارتباط سلسله- پیامد معنی این گونه تغییرات در مسکن ترسیم شده است.

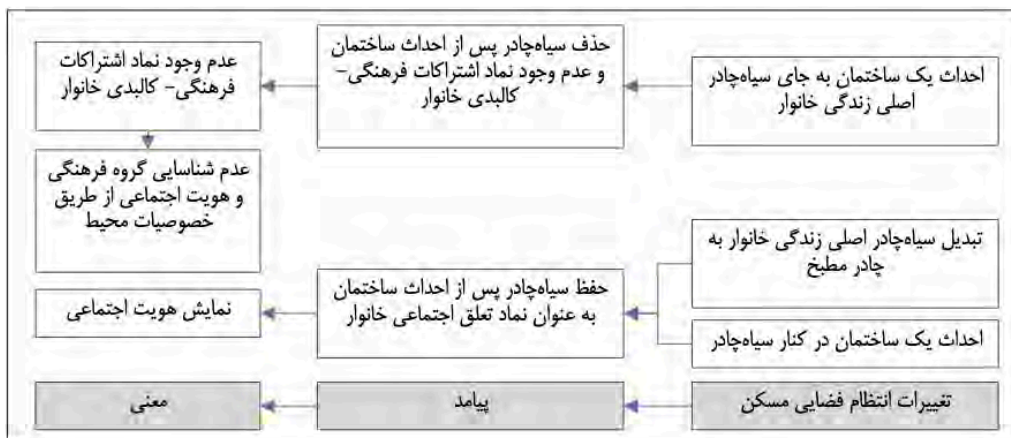


شکل ۷. نمودار سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی یورد با منشأ «رعایت الگوهای فرهنگی فواصل حریمیت»



شکل ۸. کمتر شدن فاصله چادر مطبخ نسبت به ساختمان جدید تحت الگوهای فرهنگی تنظیم فواصل شنیداری، بویایی و بینایی «رعایت محرمیت»

تغییرات متأثر از انطباق با محدودیت‌های محیط طبیعی بعضاً به عدم رعایت الگوهای فرهنگی و پاسخگویی به معانی نیز منجر می‌گردد. شکل ۹ گویای این تغییرات و حذف سیاه‌چادر به عنوان «نماد اشتراکات فرهنگی- کالبدی خانوار» و «عدم شناسایی هویت اجتماعی» از طریق خصوصیات محیط ساخته شده است. حفظ سیاه‌چادر در کنار ساختمان بنایی، تمهیدی برای «نمایش هویت اجتماعی» در بعضی خانوارها است.



شکل ۹. نمودار سلسله پیامد- معنی تغییرات با منشأ «نمایش هویت اجتماعی»

ایجاد ساختمان از مصالح بنایی برای تأمین شرایط آسایش اقلیمی بهتر به منظور اقامت بلندمدت در منطقه بیلاقی است که با توجه به تغییرات پیرامونی به عنوان یک قابلیت در جهت پاسخگویی به معنای ای همچون «تأمین شرایط مطلوب اقلیمی رویدادهای رفتاری» قرار گرفته است. مطابق با شکل ۱۰ در کنار ساختمان با مصالح بنایی، سیاه‌چادر ایل قشقایی همچنان به عنوان یک فضای اقامتی بیلاقی و نمادی از هویت اجتماعی و «قشقایی بودن» برپا گردیده است. در این مورد، سیاه‌چادرها، علی‌رغم نمادین بودن، پاسخگوی نیازهای جدید نیستند. ساختمان بنایی انطباق با محدودیت‌های محیط طبیعی را فراهم می‌نماید، لیک، معانی را در نظام فرهنگی تأمین نمی‌نماید. بنابراین، وضعیت فعلی، قابلیت‌های لازم را برای تأمین معانی و همچنین انطباق با محدودیت‌های طبیعت محیط فراهم کرده است.

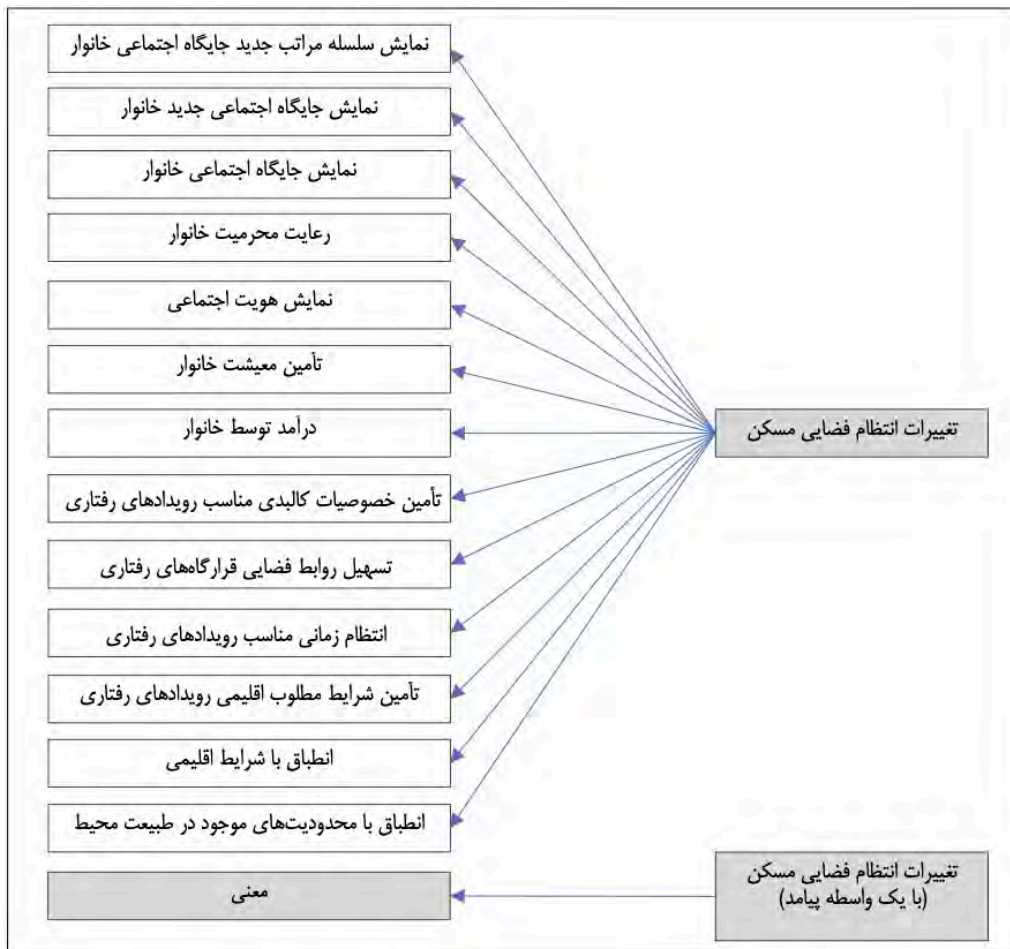




شکل ۱۰. ایجاد ساختمان جدید با مصالح بنایی در یوردهای عشایری

### بحث

برآیند سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی در یوردهای ایل قشقایی مطابق با شکل ۱۱ ترسیم شده است تا فهم یکپارچه‌ای از تأثیر عوامل معنایی بر تغییرات مسکن عشایری ادراک گردد. توجه به «جایگاه اجتماعی»، مسئله اصلی تغییراتی است که برای «نمایش سلسله مراتب جدید جایگاه اجتماعی خانوار»، یا «ایجاد جایگاه اجتماعی جدید»، یا «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» صورت می‌گیرد و باعث رعایت الگوهای فرهنگی می‌گردد. به نسبت دیگر تغییرات محیط مسکن، تغییراتی که با محوریت توجه به «جایگاه اجتماعی» انجام می‌پذیرد، به لحاظ تعداد مشاهدات و راهکارهای انجام آن قابل توجه است. گروهی از تغییرات انتظام فضایی یوردهای عشایری بیانگر «انطباق با محدودیت‌های طبیعت» هستند، ولی پیامد این امر «تأمین شرایط مطلوب اقلیمی» و «تأمین خصوصیات کالبدی مناسب» است که امکان «رویدادهای رفتاری» را فراهم می‌آورد. یکی از راهکارهای «تأمین شرایط مطلوب اقلیمی رویدادهای رفتاری» ایجاد ساختمان جدید در بیلاق برای اقامت بلندمدت است که باعث ایجاد دیگر تغییرات در محیط یورد از جمله کمتر شدن فواصل انتظام فضایی مطبخ و ساختمان جدید با رعایت الگوهای فرهنگی فواصل محرمیت می‌گردد. متعاقب ایجاد ساختمان جدید برای اقامت بلندمدت، مسئله عدم شناسایی گروه فرهنگی و هویت اجتماعی از طریق خصوصیات محیط ساخته شده به واسطه حذف سیاه‌چادر پس از احداث ساختمان و فقدان نماد اشتراکات فرهنگی - کالبدی خانوار پیش می‌آید که تمهیداتی همچون تبدیل سیاه‌چادر اصلی زندگی خانوار به چادر مطبخ و یا احداث یک ساختمان در کنار سیاه‌چادر برای حفظ سیاه‌چادر پس از احداث ساختمان به‌عنوان نماد تعلق اجتماعی خانوار و «نمایش هویت اجتماعی» در نظر گرفته می‌شود. همه موارد فوق بیانگر تغییرات منظم و هدفمند انتظام فضایی یوردهای عشایری متناسب با معانی در مطالعه موردی ایل قشقایی هستند. لازم به ذکر است که مقولاتی که به‌عنوان معنی در نمودارهای فوق بیان شده است، منطبق با «مدل ابزار-غایت» است که از طریق مصاحبه‌ها و کاوش محتوای ذهنی مخاطبین پژوهش به دست آمده است و مقولات «معانی» در این تحقیق با مطالعات راپاپورت (1990; 2005) و کولن (2008) در یک راستا هستند.



شکل ۱۱. نمودار سلسله پیامد- معنی تغییرات در مسکن ایل قشقایی

خصوصیات محیط ساخته شده، پاسخگوی معانی انسان هستند. معانی مهم‌ترین عواملی هستند که محیط باید به آن پاسخ دهد. یافته‌های این تحقیق به این نکته اشاره دارد که خصوصیات محیط ساخته شده، «قابلیت‌هایی» در خدمت معانی انسان هستند. قابلیت‌های محیط با معانی خاصی در ذهن انسان ارتباط پیدا می‌کنند و برای انسان معنادار هستند، بنابراین، مسئله مهم، «انطباق قابلیت - معنی» است.

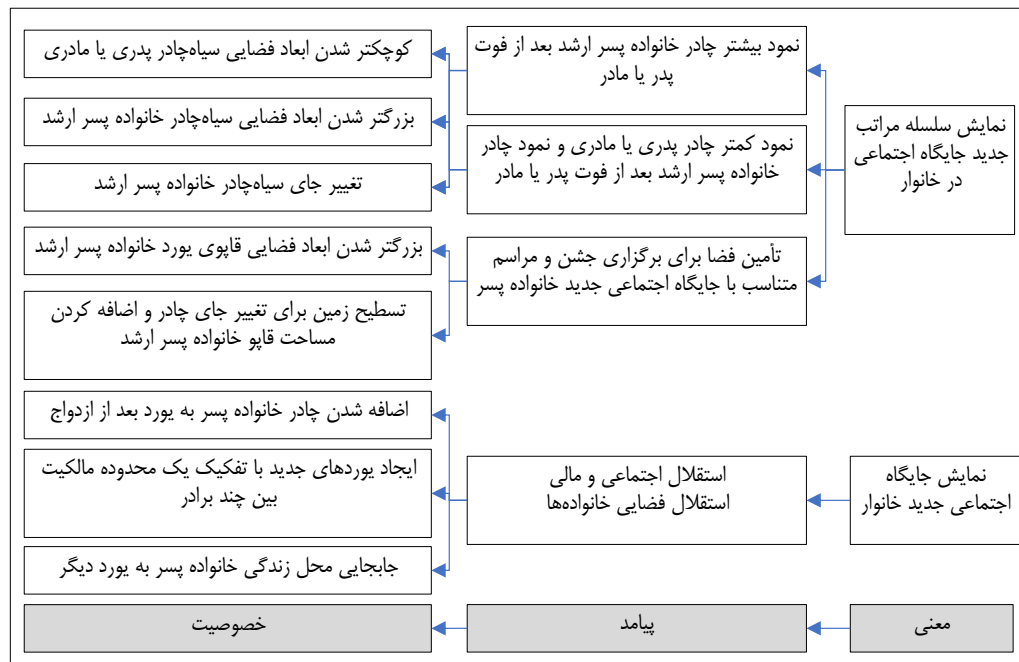
معانی به ارزش‌ها در نظام فرهنگی مربوط بوده و قابلیت‌ها به خصوصیات محیط مربوط هستند. افراد بین معنی و قابلیت خصوصیات محیطی ارتباط برقرار می‌کنند و خصوصیتی را که معانی او را تأمین می‌کنند به کار می‌گیرند. انسان، بنا بر استعداد خود، قابلیت‌ها را درک و با توجه به توانایی خود برای تأمین معانی خود به کار می‌برد. انسان قابلیت‌های اکتشافی از خصوصیات محیط را برای تأمین معانی خود استفاده می‌نماید و اگر قابلیت در محیط موجود نباشد، خصوصیات متناسب با قابلیت مطلوب را برای پاسخگویی به معنی ایجاد می‌کند.

در صورتی که قابلیت‌های محیط برای تأمین معانی براساس رویدادهای زندگی انسان کارآمد نباشند، خصوصیات محیط برای ایجاد قابلیت مناسب، به صورت پیوسته توسط معانی تغییر خواهند یافت. در زندگی روزمره، روابط و وضعیت اجتماعی انسان دائماً در حال تغییر است، لذا انسان با توجه به ارزش‌ها و معانی خود به ارزیابی تطابق قابلیت‌های موجود با تغییرات اجتماعی تأثیرگذار بر زندگی خود می‌پردازد.

در جریان ارزیابی، در صورت عدم تطابق قابلیت‌ها با شرایط جدید، خصوصیات محیط به‌طور مداوم در جهت هماهنگی با تغییرات تأثیرگذار بر زندگی انسان دستخوش تغییر می‌گردند.

«نمودارهای سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی مسکن» نشان می‌دهند که خصوصیات محیط مسکن به‌طور پیوسته برای پاسخگویی معانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در صورت لزوم خصوصیات فضایی محیط مسکن مطابق با تغییرات اجتماعی خانوار برای پاسخگویی معانی تغییر داده می‌شوند. شکل ۱۲ فرآیند تأثیرگذاری عامل معنایی «نمایش جایگاه اجتماعی جدید خانوار» و تغییرات خصوصیات محیط با آن را نشان می‌دهد.

در خصوص جهت پیکان‌ها در نمودارهای مقاله لازم به ذکر است که جهت پیکان‌ها در نمودارهای قبلی مقاله مطابق با روند دستیابی به معانی از طریق مشاهده و پرسشگری درباره تغییرات کالبدی و فضایی مسکن در محتوای ذهنی ساکنین است. با توجه به اینکه هدف تحقیق نمایش این موضوع است که معانی بر تغییرات مسکن تأثیرگذار هستند، نمودار ذیل، روند اصلی تأثیرگذاری معنا بر تغییرات مسکن را نشان می‌دهد تا تأثیرات معانی بر محیط مسکن ملموس و قابل فهم باشد.



شکل ۱۲. فرآیند تأثیرگذاری عامل معنایی «نمایش جایگاه اجتماعی جدید خانوار» در تغییرات مسکن خانوارها

محیط‌های عشایری به‌صورت تدریجی و مشهود بر اساس معانی فرهنگی با تغییرات اجتماعی هماهنگ می‌گردند. در محیط عشایری، عناصر ثابت و نیمه‌ثابت مسکن، خصوصیات منعطفی برای انطباق پیوسته با تغییرات اجتماعی زندگی آن دارند. سیاه‌چادرهای عشایری به دلیل ماهیت منعطف و برپایی و تغییر سریع، بازتابنده تغییرات اجتماعی پیرامون هستند، به‌گونه‌ای که در مراجعات سالانه، می‌توان تغییرات اجتماعی آنها را از تغییرات محیطی بازشناخت. این موضوع به‌خوبی گویای تأثیر تغییرات اجتماعی و نقش معنی در تغییرات محیط مسکن از طریق «ارزیابی و انطباق پیوسته قابلیت- معنی» است.

## نتیجه‌گیری

سیر کلی بخش یافته‌های این پژوهش تدارک دیدن پاسخی برای پرسش اول درباره مصداق‌های تغییرات انتظام فضایی محیط مسکونی عشایر است که به سازوکار تأثیر تغییرات اجتماعی و نقش معنی در تغییرات محیط مسکن از طریق نمودارهای خصوصیت- پیامد- معنی و تشریح وجوه آن با ارائه شواهد ملموس می‌پردازد. برآیند سلسله پیامد- معنی تغییرات انتظام فضایی در یوردهای ایل قشقایی نشان می‌دهد توجه به «جایگاه اجتماعی»، مسئله اصلی تغییراتی است که برای «نمایش سلسله مراتب جدید جایگاه اجتماعی خانوار»، یا «ایجاد جایگاه اجتماعی جدید»، یا «نمایش جایگاه اجتماعی خانوار» صورت می‌گیرد و باعث رعایت الگوهای فرهنگی می‌گردد. به نسبت دیگر تغییرات محیط مسکن، تغییراتی که با محوریت توجه به «جایگاه اجتماعی» انجام می‌پذیرد، به لحاظ تعداد مشاهدات و راهکارهای انجام آن قابل توجه است. و در درجه دوم گروهی از تغییرات انتظام فضایی یوردهای عشایری بیانگر «انطباق با محدودیت‌های طبیعت» هستند که پیامد آن، «تأمین شرایط مطلوب اقلیمی» و «تأمین خصوصیات کالبدی مناسب» است که امکان «رویدادهای رفتاری» را فراهم می‌آورد. برپایی سیاه‌چادر پس از احداث ساختمان به‌عنوان نماد تعلق اجتماعی خانوار و «نمایش هویت اجتماعی» نیز از نکات قابل توجه تغییرات محیط مسکن بود.

تداوم بررسی یافته‌ها در بخش بحث مقاله برای پاسخ دادن به پرسش دوم درباره منشأ تغییرات انتظام فضایی محیط مسکونی عشایر است. مصاحبه‌ها بر اساس مدل ابزار-غایت مشخص نمود که تغییرات کالبدی محیط مسکن، همزمان یا بعد از تغییرات اجتماعی مشخص در مسکن عشایری روی داده‌اند. بنابراین، برای فهم چرایی و چگونگی این موضوع مطالعه نظام‌مندی صورت پذیرفت که نشان می‌داد معانی، نقش مهمی در تغییرپذیری کالبد مسکن برای هماهنگی با تغییرات اجتماعی دارند که نتایج آن در قالب شکل‌های ۱۱ و ۱۲ مقاله درج گردید. آنچه که باعث ایجاد هماهنگی بین انسان و محیط زندگی می‌گردد، همساختی مناسب بین خصوصیات محیط ساخته شده با تغییرات اجتماعی زندگی تحت قواعد معانی است. معانی، قوانین حاکم بر تعاملات اجتماعی از طریق ارتباط غیرکلامی و غیرمستقیم به‌وسیله محیط ساخته شده نیز هستند. بنابراین، هماهنگی محیط با تغییرات زندگی انسان بازگوکننده رویکرد ارتباط غیرکلامی بر اساس معانی در زندگی انسان نیز هست. پیامدهای رویکرد ارتباط غیرکلامی، تأثیر بر محیط ادراکی دیگر افراد محیط اجتماعی، هدایت آنان به انجام رفتار دلخواه فرد و احترام گذاشتن به نظام ارزشی و ساختار معانی همچون «جایگاه اجتماعی» و «رعایت حریمیت خانواده» اوست.

توصیه‌ها و راهکارهایی که این پژوهش برای هدف آرمانی آن یعنی به منظور برنامه‌ریزی معمارانه برای طراحی محیط‌ها و شهرک‌های اسکان عشایری در نظر دارد، از این قرار است که کلیات و جزئیات مجموعه زیستی به گونه‌ای برنامه‌ریزی و طراحی شود که به تدریج یا به تناوب زمان، دوره اقتصادی، آینده شهری، افزایش اعضا خانواده و تغییر نسل، امکانات بالقوه‌ای داشته باشد. از ویژگی‌های لازم برای طراح برنامه‌ریز، شهرساز و معمار آشنایی با زندگی عشایر است تا درک مناسبی از جامعه هدف داشته باشد. با توجه به یوردهای مطالعه شده عشایر توصیه می‌شود نسبت تخلخل فضای پر و خالی به تقریب یک به دو باشد تا تغییرات آتی محیط مسکونی، فضای لازم را داشته باشد. از سویی، با توجه به نوع زندگی عشایر که دارای حریم و فاصله از همسایه و مجاورین بوده‌اند، توصیه می‌گردد این فواصل و حریم‌ها در نظر گرفته شود. بنابراین درخصوص بناها سعی شود فواصل مناسب حفظ گردد. این امر به معنای ایجاد الگوی یک مجموعه پراکنده مجموعه سکونتی برای عشایر است. در مورد ارتباط بناها با هم توصیه می‌شود کلیت مجموعه زیستی دارای یک فضای باز یکپارچه باشد. همچنین توصیه می‌گردد تمهیداتی برای برپایی سیاه‌چادر به‌عنوان نماد تعلق اجتماعی خانوار و «نمایش هویت اجتماعی» در مجموعه‌های زیستی در نظر گرفته شود.

## پی‌نوشت‌ها

1. world view
2. values
3. lifestyle
4. social action
5. behavioral setting
6. psychological ecology
7. systems of setting
8. means-end model
9. means-end chain model
10. attributes-consequences-values

## فهرست منابع

- آذر، عادل (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوی. *علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*، ۳۷-۳۸، ۱-۱۸.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: انتشارات آگه.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها* (مترجم: بیوک محمدی). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افشاری، محسن (۱۳۸۳). *مطالعه و طراحی مسکن مناسب برای عشایر قشقایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- پندار، هادی (۱۳۹۶). پویاشناسی روایت‌محور محیط مسکونی تبیین جایگاه زمان در فرآیند تحول روایت ساکنین. *معماری و شهرسازی ایران*، ۸(۱۳)، ۱۴۷-۱۶۳.
- پندار، هادی و ذکاوت، کامران (۱۳۹۵). بازاندیشی در سرعت دگردیسی کالبدی محیط‌های مسکونی از منظر ساکنین نمونه موردی: محله نیاوران، تهران. *باغ نظر*، ۱۳(۴۵)، ۲۷-۴۲.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. *مسکن و محیط روستا*، ۱۳۴، ۳-۱۸.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۴). *منظر انسانی در محیط مسکونی*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸). *فرهنگ و تمدن*. تهران: نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها (سمت).
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن* (مترجم: خسرو افضلیان). تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۹). *آناتومی جامعه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رنجبر، هادی، حق دوست، علی اکبر، صلصالی، مهوش، خوشدل، علیرضا، سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. *دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۳، ۲۳۸-۲۵۰.
- روشه، گی (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز* (مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر). تهران: نشر نی.
- روشه، گی (۱۳۸۹). *تغییرات اجتماعی* (مترجم: منصور وثوقی). تهران: نشر نی.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۲). *معماری: معنا و مکان* (مترجم: ویدا نوروز برازجانی). تهران: نشر جان جهان.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۹۰). *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی* (مترجم: هوشنگ ناییبی). تهران: نشر نی.
- کولن، هنی (۱۳۹۷). *معنای خصوصیات مسکن، مباحث مفهومی و روش‌شناختی* (مترجم: محسن افشاری). اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر اصفهان.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۷). *کوچ با عشق شقایق*. شیراز: کیان نشر.

- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در معماری* (مترجم: علیرضا عینی فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۱). *آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط* (مترجم: علیرضا عینی فر). انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۱). *معنی در مسکن، مدل یابی انتظام معنای مسکن ترکمن*. رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- Barker, R. (1968). *Ecological Psychology Concepts and Methods for studying the Environment of Human Behavior*. Stanford, California: Stanford University Press.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory a Practical Guide through Qualitative Analysis*. London: Sage Publications.
- Chemero, A. (2003). An Outline of a Theory of Affordances. *Journal of Ecological Psychology*, 15(2), 181–195.
- Coolen, H. (2008). *The meaning of dwelling features, Conceptual and methodological issues*. Amsterdam: IOS Press.
- Creswell, J. (2007). *Qualitative Inquiry Research Design*. California: Sage Publications Inc.
- Gibson, J. (1979). *The Ecological Approach to visual Perception*. Boston: Houghton Mifflin.
- Gifford, R. (2014). *Environmental Psychology Principles and Practice*. Massachusetts: Allyn and Bacon, Inc.
- Gutman, J. (1982). A Means–End Chain Model Based on Consumer Categorization Processes. *Journal of Marketing*, 46(2), 60–72.
- Heft, H. (2001). *Ecological psychology in context. James Gibson, Roger Barker, and the legacy of William James’s radical empiricism*. Lawrence Erlbaum Associates, Inc. Publishers.
- Hershberger, R. (1970). Architecture and meaning. *Journal of Aesthetic Education*, 4(4), 37 – 55.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson–Smith, Trans.). Oxford: Blackwell.
- Meesters, J. (2009). *The meaning of Activities in the dwelling and residential environment, A structural approach in people–environment relation*. Amsterdam: IOS Press.
- Norberg–Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. New York: Rizzoli.
- Polanyi, M. (1964). *The Structure of Tacit Knowing*. Duke University.
- Rapoport, A. (1990). *The Meaning of the Built Environment, a Nonverbal Communication Approach*. United States of America: The University of Arizona Press.
- Rapoport, A. (1993). System of activities and system of settings, In S. Kent (Ed.), *Domestic Architecture and the use of space, an interdisciplinary cross–cultural study* (9–20). Cambridge: Cambridge University Press.
- Rapoport, A. (2005). *Culture, Architecture, and Design*. Chicago, Illinois: Locke Science Publishing Company, Inc.
- Wicker, A. (1979). *An Introduction to Ecological Psychology*. Monterey, California: Brooks/Cole Publishing Company.